

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یکسو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به پشتوانه چنین میراث گرانقدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی و اسلامی و تطبیق هر چه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پیشگفتار

یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه در جوامع بشری جلب توجه کرده و نگاه‌ها را به خود معطوف ساخته و همه را آرزومند به چنگ آوردنش کرده است، مسئله حق (در گفتمان حق‌ها) است. هیچ‌کس در این جهان نیست که ادعا نکند دارای حق است. در راه به‌دست آوردن حق چه بسیار سختی‌ها که تحمل شده، چه بسیار انسان‌ها که

جانفشانی‌ها کرده و فدا شده‌اند، چه بسیار سرزمین‌ها که از اشغال سربازان متخاصم رها شده و چه بسیار کودکانی که تا آخر عمر چشم‌انتظار بازگشت پدران خویش از میدان نبرد ماندند تا با دستی پر از حقوق بازپس گرفته‌شان، بازگردند. در مقابل، چه بسیار ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها انجام شده تا حقی به صاحبش نرسد و چه بسیار انسان‌هایی که در رسیدن به سعادت ناکام ماندند چون که از حق تضییع شده‌ای دفاع نکردند و چه بسیار...

یکی از دلایل مطلوبیت به‌دست آوردن حق در نگاه انسان‌ها آن است که حق مبنای عدالت است؛ یعنی اگر بنا باشد در جامعه‌ای عدالت اجرا شود، ابتدا باید حق افراد شناسایی شود. و چون عدالت حُسن ذاتی دارد، همه فطرتاً به آن اشتیاق دارند. بنابراین، همه انسان‌ها ذاتاً به استیفای حق خویش نیز اشتیاق دارند. به این دلیل است که دانشمندان عدالت را به «دادن حق هر صاحب حقی» تعریف کرده‌اند (ارسطو، 1385، ص 174؛ Aristotle, 1962, p. 118-119؛ فارابی، 1382، ص 61؛ Aquinas, 1993, p. 296).

با وجود اهمیت زیاد گفتمان حق، دانشمندان مسلمان آنچنان که شایسته است در این گفتمان شرکت نکرده‌اند. قرن‌هاست که فیلسوفان مسلمان خود را به مباحث متافیزیک مشغول ساخته و در مباحث اجتماعی، به‌ویژه مسئله حق و عدالت، به‌طور جدی وارد نشده‌اند. فقیهان و حقوق‌دانان هم که نسبتی مستقیم با این مسئله دارند، به صورتی گذرا از کنار آن عبور کرده‌اند. به‌استثنای چند اثر مختصر درباره حق و حکم از نگاه علم فقه، نهایت کوشش آنها در این زمینه به توضیح مختصری درباره مفهوم حق و انواع آن در دانش فقه و حقوق و تفاوت آن با حکم محدود شده است که حجم آن در بیشتر آثار علمی این گروه از دانشمندان بیش از چند صفحه نیست. متکلمان و عالمان علم اخلاق و دیگر پژوهندگان در عرصه‌های گوناگون علوم انسانی نیز به تبیین این موضوع اجتماعی بسیار مهم و نظریه‌پردازی درباره آن اقدام نکرده‌اند. انتظار این بود که دانشمندان مسلمان هر یک از زاویه نگرش تخصصی حوزه دانش مورد علاقه خویش به مسئله حق با دقت نظر توجه می‌کردند، هرچند که در دو دهه اخیر برخی از آنها کمابیش مطالبی در این‌باره منتشر ساخته‌اند.

مگر نه این است که اسلام عزیز و پیشوایان معصوم(ع) مسلمانان را به رعایت حقوق دیگران ترغیب کرده و آنها را به مسئله حق توجه داده‌اند؛ پس چرا دانشمندان مسلمان در طول تاریخ پرفراز و نشیب مدنیت اسلامی به مسئله حق توجه عمیق علمی نکردند. پاسخ تفصیلی به این پرسش مقامی دیگر می‌طلبد، اما به‌طور اختصار می‌توان یکی از دلایل این امر را به صورت زیر بیان کرد که: پرداختن به موضوع حق که زیربنای مسئله عدالت است، سبب اطلاع یافتن مردم از حقوق خویش و آشنا شدن آنها با تکالیف خود و دیگران می‌شد. این امر باعث بیداری مسلمانان نسبت به حقوق تضییع شده خود از سوی ظالمان و حاکمان ستمگر می‌گردید. خوی حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی مردم موجب چالش‌های فراوانی در جامعه به‌ویژه در برابر قوای حاکم بیدادگر می‌شد؛ حاکمانی که به شهادت عقل و وحی به ناحق بر مسند حکمرانی بر مردم تکیه زدند و برای حفظ حکومت خویش از هیچ امری حتی کشتن بهترین انسان‌ها، یا حتی به قتل رساندن فرزندان خود نیز فروگذار نمی‌کردند.

پرواضح است که ورود علمی در چنین عرصه‌هایی چیزی کمتر از آزار و اذیت شدن خود و مردم، به زندان افتادن، تبعید شدن و درنهایت به قتل رسیدن در پی نداشت. به این دلیل دانشمندان مسلمان از روی تقیه از

ورود به حوزه مباحث مربوط به حق و عدالت اجتماعی پرهیز می‌کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال 1357ش، که به حق یکی از بازتاب‌های روشن خوی حق‌طلبی خداپرستان در این سرزمین است، آن تهدیدها برطرف شدند. منادیان برپایی حق و عدالت که همواره پشتیبان این پدیده بزرگ جهانی بوده و هستند، خود حامی و مشتاق طرح مسائل مربوط به حق و عدالت گردیدند.

نگارش پیش رو حاوی تحلیل و بررسی پنج مسئله از مهم‌ترین مسائل اساسی در قلمرو دانش فلسفه حق است. مباحثی درباره مفاهیم به‌کاررفته در این دانش همراه با تاریخچه کاربری واژه حق و نیز معنای حق، انواع حق، صاحبان حق و منشأ حق محتوای این کتاب را تشکیل داده‌اند. ویژگی این نگارش آن است که نگارنده این مسائل را با نگاه مقایسه‌ای میان آرای فیلسوفان حقوق و سیاست در غرب از یک‌سو و اندیشه فلسفی اسلام از سوی دیگر بررسی کرده و بخش اعظم یافته‌های نگارنده در فصل‌های مختلف با استفاده از اصول حکمت عملی اسلامی تدوین شده است.

کتاب حاضر مشتمل بر پنج فصل است؛ نخستین فصل دارای دو مبحث است. مبحث اول علاوه بر تبیین جایگاه دانش فلسفه حق در میان علوم، آن را تعریف کرده و محوری‌ترین واژگان به‌کاررفته در آن را به‌طور اختصار توضیح داده است. در مبحث دوم به پیشینه کاربری واژه حق در فرهنگ غرب و فرهنگ اسلام پرداخته شده است. در آنجا بر این مطلب تأکید شده است که این ادعای مشهور که: «1. مسئله حق (در برابر تکلیف) از آموزه‌ها و ابداعات دوره جدید است؛ 2. فرهنگ اسلام در این زمینه از فرهنگ غرب تأثیر پذیرفته است»، امری کاملاً نادرست است.

در فصل دوم با عنوان «مفهوم حق» دو مبحث وجود دارد؛ در مبحث نخست با تحلیل فلسفی مفهوم حق به شیوه ساخته شدن این مفهوم در ذهن اشاره شده است. در این تحلیل، ارکان مفهوم حق یعنی صاحب حق و موضوع حق به‌خوبی شناسایی می‌شوند. در مبحث دوم از فصل دوم، پس از نقد و بررسی مهم‌ترین نظریه‌های فیلسوفان حقوق غرب در باب معنای حق و مقایسه آن با آرای فقیهان، مفهوم پیشنهادی نگارنده درباره معنای حق از نظر می‌گذرد.

فصل سوم انواع حق را با نگاه فلسفی بیان کرده است. در این فصل شش ملاک برای تقسیمات اولیه حق به لحاظ عقلی تعیین شده است. هر یک از این ملاک‌ها به‌طور جداگانه در چهار مبحث مشتمل بر شش گفتار توضیح داده شده‌اند که برخی از این دسته‌بندی‌ها جدید است.

فصل چهارم که پنج مبحث دارد، درباره صاحبان حق است. وظیفه این فصل تعیین مهم‌ترین صاحبان حق و بیان مهم‌ترین حقوق آنهاست. حقوق تکوینی و تشریحی خدا در نخستین مبحث این فصل بررسی شده است. حقوق بشر و ریشه‌های تاریخی آن موضوع مبحث بعدی این فصل است. در این راستا کاستی‌های مبانی فلسفی حقوق بشر از منظر اندیشه اسلامی بیان شده و در ادامه، مبانی فلسفی حقوق بشر در اسلام با عنوان

«نظریه گرایش به مقام انسان کامل تدوین شده است. در این نظریه، رابطه میان برخی حق‌های انسان و انسانیتش که مبتنی بر مقدار تقوا و خداپرستی اوست، بیان شده است.¹

مبحث سوم فصل چهارم، نخست تبیین‌کننده دلیل‌های موافقان و مخالفان حق حیوانات در غرب است؛ در مرحله بعد این دلیل‌ها را نقد کرده است و در مرحله سوم نظریه اسلامی درباره حق حیوانات ارائه می‌کند. نظریه اسلامی در مورد حق حیوانات با استفاده از آموزه قانون طبیعی‌در حکمت عملی اسلامی تبیین شده است. همچنین، حقوق گیاهان نیز براساس آموزه قانون طبیعی اسلامی در مبحث چهارم از فصل چهارم بیان شده است. موضوع آخرین مبحث فصل چهارم، گروه‌های اجتماعی به عنوان صاحبان حق است.

مسئله منشأ و خاستگاه حق از مهم‌ترین مسائل فلسفه حق است که در آخرین فصل این نگارش، در ضمن سه مبحث به آن پرداخته شده است. در مبحث اول، منشأ حق به لحاظ هدف بررسی گشته و به این منظور منشأ حق تبعی صاحبان حق بیان شده است. در مبحث دوم منشأ حق به لحاظ فاعل بررسی شده است. منشأ حق اصیل موجودات در این مبحث از نظر می‌گذرد. در مبحث سوم منشأ حق‌های اخلاقی و قانونی انسان تبیین گردیده است. همچنین در این مبحث، نظرگاه‌های مکاتب مختلف حقوقی پوزیتیویستی و غیر پوزیتیویستی درباره منشأ پیدایش حق نقد و بررسی شده است.

گفتنی است که این کتاب پس از تأیید علمی ارزیابان محترم و قبل از انتشار آن، در جلسه‌ای مورد نقد و بررسی ناقدان دانشمند قرار گرفت. به این مناسبت در اینجا از حسن توجه و راهنمایی‌های سروران محترم حضرت آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد که هم ارزیاب و هم ناقد این کتاب بوده است و نیز از حضرت آیت‌الله دکتر احمد احمدی که ناقد این نگارش بوده است، صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین از جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد واعظی که وقت زیادی صرف ارزیابی مطالب این کتاب کرده است و نیز از جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای مصطفی دانش‌پژوه که بعد از مراحل ارزیابی و نقد، این کتاب را به‌طور کامل مطالعه کرده و بنده را با پیشنهادهای علمی خود راهنمایی کرده است، تشکر می‌کنم و از خداوند متعال تقاضای اجر بی‌پایان برای این بزرگواران دارم.

نگارنده هیچ ادعایی نسبت به سودمندی این کتاب ندارد، اما توصیف ارزیابان و ناقدان محترم از این کتاب چنین است: به دلیل آنکه از یک‌سو کتاب مشابهی در این زمینه در دست نیست، وقت زیادی صرف ایجاد آن در مراحل متعدد شده است. این مراحل عبارت‌اند از: 1. مطالعه و فهم مطالب غامض دانشمندان مغرب‌زمین از منابع اصلی، 2. مطالعه و فهم مطالب اسلامی از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی، 3. نقد و ارزیابی مطالب غیر دقیق براساس مبانی عقلی و فلسفی در اندیشه اسلامی و 4. ارائه نظریه‌ها یا دلیل‌های جدید در فصل‌های مختلف که هم قابل دفاع عقلی باشد و هم متون مقدس اسلامی آن را تأیید کنند.

1. در فصل یکم خواهد آمد که مراد از حق در این نگارش فقط حقی نیست که در علم حقوق از آن بحث می‌شود؛ بلکه حق‌های اخلاقی نیز در دامنه موضوع این نگارش قرار دارند.

به امید آنکه این قدم کوچک، رضایت خداوند متعال و خشنودی حضرت پیامبر گرامی اسلام(ص) و جانشینان معصوم آن حضرت(ع)، به‌ویژه رضایت حضرت ولیّ مطلق و امام بر حق، حضرت امام زمان(ع) را جلب کند.

در پایان از همه خوانندگان محترم، استادان بزرگوار حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و نیز فضلا و طلاب و دانشجویان عزیز به خاطر صرف وقت گران‌بهای خود برای مطالعه این کتاب صمیمانه تشکر کنم و متواضعانه تقاضامندم به منظور برطرف کردن نقض‌های این نوشتار در چاپ‌های بعد، نگارنده را از راهنمایی‌های خویش بهره‌مند سازند.2

محمدحسین طالبی - دی‌ماه 1391